

## فصل ۵ باور دینی و منطق بشری

### راه های دینی و یکتاپرستی

#### ۱- آغاز راه دینی

##### - نقطه جدائی

کسی نمی داند کی و در کجا اولین تصورات دینی در گروه های اولیه به وجود آمد. کسی هم نمی داند که تصور دینی و غیر دینی تا کجا با همدیگر همراه بودند و نقطه جدائی شان با چه مشخصاتی مشخص می شود. امروزه باور غالب در بین عالمان اجتماعی بر آن است که:

- اولین تصورات، مراسم و نیایش دینی، در همه جای جهان آن روز، در یک زمان و به یک شکل و محتوی ظاهر نشده، یا نمی توانسته ظاهر شوند. شواهد موجود حاکی بر آنند که دینداری، در مناطق مختلف و در بین قبایل و گروه های انسانی روزگاران پیشین،

۱- به تناسب تاریخ و جغرافیای هر حوزه انسانی و فرهنگی، در زمان خاص خود ظاهر شده و،

۲- در هر جا نیز به شکل و ویژگی های خاص خود شکل گرفته و رشد یافته است.

### - دوره های پیش از تاریخ

به نظر مردم شناسان، از آغاز، گروه های اولیه بشر به انگیزه ترس، تنهائی، بی ایمنی، گرسنگی و ناتوانی، به «نیروهای برتر طبیعی و فوق طبیعی» توجه پیدا کرده اند. آنان از این رو، برای نزدیکی به این نیروها، یا مهار آن ها، به کوشش هایی دست زده و راه هایی برای تطبیق خود یافته اند که به وسیله فرهنگ های گوناگون بیان می شوند. برخی نیز کوشیده اند از راه تسلیم در برابر قدرت های حاکم بر طبیعت، پناه جستن در پیش آنان و اجرای مراسم نیایش، خود را در دنیای وحش آن زمان در امنیت حس کرده و از یاری نیروهای برتر طبیعت، برای پیروزی در تنازع بقای تحمیل شده به بشر آن روز، بهره جویند.

ظاهراً انسان باهوش هومو ساپین<sup>۱۲۸</sup> از آغاز، توان فکری این را داشته که بتواند به موقعیت خود در این دنیای پرحادثه پی ببرد و آن را برای خود توضیح دهد. در آن زمان، دنیای وحش اولیه، بر تنازع بقای حیوانات بنا شده بود. بر این اساس، آن که قوی بود، پیروز می شد و باقی می ماند و آن که ضعیف بود، شکست می خورد و طعمه دیگران می شد. از آن میان، انسان اولیه، که فاقد هرگونه ابزار دفاعی بود، به آسانی قربانی این تنازع جبری قرار می گرفت.

برای رو در روئی با مسایل و مشکلات این دوره از زندگی تاریخی، انسان و گروه های انسانی، بر خلاف حیوانات دیگر، راه های فرهنگی- اجتماعی مختلفی را آزموده و برای رو در روئی با مسایل و مشکلات شان، به جست و جو و شناسائی روی آورده اند. نقاشی های موجود بر روی دیواره های غارهای مسکونی این دوره، از آن جمله در غارهای اروپا و فرانسه، نشان می دهند که طبقه بندی تجربیات، همچون شیوه ای بشری برای تطبیق بهتر با این شرایط سخت به کار می رفت. حیوانات، پدیده های طبیعی، اجرام آسمانی و همچنین دستگاه

---

<sup>128</sup> Homo Sapiens

تناسلی زن و زایش بچه، بیش از سایر پدیده‌ها و اتفاقات، توجه انسان این دوره را به خود جذب می‌کرده است.<sup>۱۲۹</sup> کسی نمی‌داند که چه مقدار از این به یادمانده‌ها، دینی، یا غیر دینی اند، چرا که هنوز جدائی و تقسیم کار اجتماعی بین نهادهای دینی و غیر دینی به وجود نیامده بود.

### - اولین نهادهای دینی

آثار مارکس و انگلس و سایر محققین دیالکتیک تاریخی<sup>۱۳۰</sup>، پدید آمدن اولین نهادهای دینی را مربوط به دوره‌های بعدی تکامل اجتماعی، یعنی مربوط به زمان‌هایی می‌دانند که انسان آن روزی، موفق به ساختن وسایل تولیدی و ابزار دفاعی اولیه شد و به تولید "محصول مازاد بر مصرف" دست یافت. از نتایج این موفقیت مهم تاریخی، نجات گروه‌های انسانی از گرسنگی مزمن و مرگ و میر تاریخی بود. این اتفاق بسیار مهم و تاریخی، مجبور نبودن همه اعضای گروه‌های اولیه خویشاوندی (کلان، قبیله، طایفه و تیره) به شرکت در کار و تولید را به دنبال آورد.

دیگر همه مجبور نبودند به طور مستقیم در جمع‌آوری دانه و میوه، یافتن حیوانات زخمی و مرده قابل مصرف، ماهی‌گیری، شکار، یا احیاناً کشت و برداشت دانه شرکت کنند. این بود که تحت این شرایط جدید تاریخی، عده‌ای فرصت یافتند به مشاغلی روی آورند که مستقیماً در ارتباط با تولید نبودند.

از این‌جا، اولین قشربندی اجتماعی به وجود آمد. تولید فرد‌ها و گروه‌ها بیش از مصرف‌شان شد و کار انسان ارزش پیدا کرد. در نتیجه، اسیر گرفتن و برده‌داری، سودآور و رفته رفته رایج شد.<sup>۱۳۱</sup> آغاز افزایش سریع جمعیت و برقراری سازمان مدیریت و دولت اولیه هم محصول این دوره از تحول تاریخی بود. در این دوره همچنین

<sup>129</sup> Svensk Uppslagsbok, band 10, s. 279, 1949, Malmö.

<sup>130</sup> Refer to Per Månson (1987): Från Marx till marxism, s. 357-365.

<sup>131</sup> پیش از آن، اقوام و گروه‌های خویشاوندی غالب، راهی جز کشتن اسیران مغلوب خود نداشتند.

کسانی به کارهای دینی، کارهایی همچون جادوگری، اجرای مراسم و جادو پزشکی روی آوردند و اولین نهاد های دینی را بر پا داشتند. آن گونه که در نمونه تحلیل انگلس از نتایج مطالعات مردم شناسی در مناطق خاصی از قاره آمریکا<sup>۱۳۲</sup> نیز دیده می شود، نتیجه گیری هائی از این دست، به وسیله تحقیقات متعدد مردم شناسی مورد تأیید قرار گرفته است.

این نتیجه گیری ها اما، همه «موردی» بودند و در مکان و زمان قبیلۀ مورد تحقیق صحت داشتند، ولی تحت قانونمندی های مطالعات پوزیتیویستی زمان خود، به همه جهان تعمیق داده شدند. محققین این دوره، هر نتیجه تحقیقاتی حتی «موردی» خود را، که در بین قبایل و گروه های انسانی جای کوچکی از جهانی به این بزرگی و متنوع انجام داده بودند، به همه گروه ها و جوامع جهانی عمومیت می دادند و «جهانشمول» فرض می کردند. این بود که از مجموعه این گونه مطالعات و برداشت های «موردی» در این جا و آن جای جهان، نتایج و قانونمندی هایی جهانشمول و تاریخی ساخته و پرداخته شدند. قبلاً بحث شد که امروزه این شیوه استخراج قوانین اجتماعی و تاریخی «جهانشمول» از تحقیقات «موردی»، از سوی بسیاری از محققین علوم اجتماعی مورد تردید قرار گرفته است. چه کسی می داند که راه تحول و تکاملی بی را که مثلاً کلان های اولیه مورد تحقیق در قاره آمریکا طی کردند، درست منطبق با راه تکاملی مالکیت و خانواده در چین، مصر، یا حتی در مناطق دیگر همین قاره آمریکا بود؟ و چه کسی می تواند رد کند که هر کدام از راه های تکامل و دگرگونی، در اساس، از پیچ و خم هائی تشکیل یافته بودند که با مشخصات هر راه تحول و تکامل دیگر متفاوت بود؟ واقعیت این است که:

- نه فقط وجود نعل به نعل شرایط تحقیقات «موردی» مذکور در سایر نقاط جهان، قابل اثبات و تأیید نیست، بلکه،

<sup>132</sup> ر. ک. به فریدریک انگلس، منشأ خانواده، مالکیت خصوصی و دولت، در پرتو بررسی های لوئیس مورگان، ترجمه مسعود احمدزاده، انتشارات سازمان چریک های فدائی خلق، سوند.

- محققین متعددی از جوامعی مثال می آورند که نه در دوره جادوگری به سر برده اند و نه سراغی از دینداری داشتند. این جوامع به جای این راه های دینی، برای تطبیق خود با طبیعت و پیروزی در تنازع بقای موجود، راه هائی را در پیش گرفته بودند که می شود به عنوان راه «غیر دینی»، «بی دینی» و «لایک» طبقه بندی کرد.

### - نتیجه گیری

بر اساس این داده های علمی می توان نتیجه گرفت که:  
- جوامع اولیه مختلف، در مراحل گوناگون دوره تحول و تکامل تاریخی خود، راه های «دینی» و «غیر دینی» گوناگونی را در پیش گرفته اند. این گوناگونی راه ها، از گوناگونی جغرافیا، شرایط زیستی- جغرافیائی و دست آوردهای تاریخی هر منطقه و گروه انسانی حاصل می شد.

این شرایط گوناگون:

- هم گوناگونی راه های تکاملی مختلفی را سبب شدند و،  
- هم باورهای دینی و سنت های فرهنگی مختلفی را رشد دادند.  
در نتیجه، راه های تحول، از جائی به جای دیگر، فرق کردند و هم زمان با آن، شکل گیری نهادهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و دینی مختلفی را سبب شدند. وجود نهاد ها و باورهای دینی مختلف و متفاوت، وجود شرایط و نیازهای مختلف و متفاوت در جوامع مختلف بشری را نشان می دهند.

از آن پس، این دست آوردهای گوناگون دینی و غیر دینی، چه در جریان «مبادلات فرهنگی»، یا به سبب های «کارکردی» ناشی از نیازهای موجود، به صورت ارثیه فرهنگی از قومی به قوم دیگر و از نسلی به نسل دیگر به ارث نهاده شدند. جوامعی به راه دینی رفتند و جوامعی راه غیر دینی خود را ادامه دادند.

## ۲- دوره گذر دینی

از اینان، آن گروه های قومی که به راه دینی رفتند، به موازات توسعه اجتماعی و افزایش توان عقلی و دماغی انسان، نیایش، مراسم و سنت های دینی خاص خود را به وجود آوردند و رشد دادند. بدین ترتیب، راه های گوناگون دینی از جادوگری تا به ادیان گوناگون اولیه و امروزی شکل گرفتند.

تکامل فرهنگی و پیچیدگی افکار و اندیشه های دینی نیز، در هر جایی به شکلی پیش رفت و در هر حوزه انسانی، فرهنگی و دینی، راه خاص دینی خود را طی کرد و نسبت به ویژگی های هر حوزه جمعیتی، اجتماعی و دینی، محتوی متفاوت یافت:

- راهی به بت پرستی رفت.
- راهی انسان را در مرکز حوادث و اتفاقات قرار داده و جوامع انسان مدار ساخت.
- راهی به جادوگری و مهار جهان به وسیله سحر و جادو انجامید و،
- راهی نیز تصور چند خدائی پیدا و ناپیدا و باور کردن به الهه ها و خدایان حاکم بر پدیده های زمینی و آسمانی را در پیش گرفت.

از این جا، خطی از خطوط هم به تعریف پیچیده تر از خدا و خدایان ناپیدا انجامید. نمونه ای از این دوره گذر به یکتاپرستی را در سوره انعام و در برخورد ابراهیم پیغمبر با پرستش بت ها می بینیم:

{ }

" (سوره انعام،

آیه ۷۶). "

" (آیه ۷۷). "

(سوره انعام، آیه ۷۸).

گفت و گوی ابراهیم در این جا معرف دوره ای از تحول و گذر تاریخی از "چند خدائی" و بت پرستی به «تک خدائی» در «قبیله ای معین» است. دیدیم که این اتفاق، محصول تحول شرایط تولیدی و از پدیده های گذر اجتماعی به اشکال جدید تقسیم کار اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است.

#### - گزینش استثنائی ابراهیم و گوناگونی راه ها

جالب است که ابراهیم با رو برگرداندن از «خدایانی که پس از مدتی افول می کردند»، به خدائی ایمان آورد که «اصلاً قابل رؤیت نبود»، یا به بیان دیگر، «تماماً در حالت افول به سر می برد». او ستایش ستاره، ماه و خورشید را رد کرد، چرا که "افول کنندگان را دوست نداشت" و این سمبل های خدائی، پس از مدتی از دیده ها گم می شدند. با این وجود، پس از این گزینش و رد خدایانی که از دیده ها پنهان می شدند، به خدائی ایمان آورد که تماماً و همیشه از دیده ها پنهان بود.

این نتیجه گیری، یعنی روی گردان از خدایانی به سبب ناپدید شدن «گاه به گاه» از دیده ها و روی آوردن به خدائی که «تماماً» از دیده ها پنهان است، فی نفسه خارق العاده است و راهی است که دیگران با پشت کردن به خدایانی که افول می کردند، به آن نرفتند.

از آنان کسانی با رد خدایان در حال افول، به جادوگری که امکان ارتباط دائم با قدرت های برتر طبیعی را فراهم می آورد، رو آوردند، و جمعی پرستش بت ها را، که بر خلاف ماه و خورشید، اصلاً افول نمی کردند، در پیش گرفتند. جمعی حتی از رد بتی به قبول بتی دیگر رسیدند، و برخی نیز بت پرستی خود را به سمبل خداپرستی اعتلا

<sup>133</sup> قرآن ترجمه بهالدین خرماهی.

دادند. در این مورد، بت ها از طرفی بت بودند و از طرف دیگر، سمبل خدا و واسطه شفاعت در پیش خدا به حساب می آمدند<sup>۱۳۴</sup>. در جریان این گذر تاریخی، جمع و قبائلی نیز با روی برگرداندن از آن چه افول می کرد، خدای غیرقابل افول را در هستی های مادی و دنیوی قابل رؤیت و «غیر قابل افول» یافتند و به راه های «غیر دینی» رفتند. جمعی و قبائلی نیز با ناامیدی از خدایانی که افول می کردند، اساساً به ترک دین رسیدند.

این چگونگی نشان می دهد که نتیجه گیری ابراهیم از نقد بت ها، «جهانشمول نبوده»، یا نمی توانسته باشد، بلکه اتفاقی بود که فقط می توانست، یا توانست در قبیله، یا قبایل معینی پیش بیاید و اتفاق بیفتد. به بیان محقق ترک اردغان آیدین، "راهی که ابراهیم در برخورد با بت بزرگ معبد خود بر گزید و از آن طریق به یکتاپرستی رسید، راه تحول غالب و عمومی همه گروه های انسانی نبود، چرا که بسیاری از همان راه، به نتیجه گیری های دیگری رسیدند که با نتیجه گیری وی کاملاً متفاوت بودند"<sup>۱۳۵</sup>.

بسیاری نیز با رد ایمان به بت ها، به کلی از ادامه راه دینی متکی بر ایمان به «نیروئی برتر» فوق بشری و فوق طبیعی ناامید شده و روی بر تافتند. بسیاری به جای جست و جوی نیروی برتر در خارج از خود، به خود بازگشتند و راه ایمان به فراتر از خود را، با ایمان به «نیروی درونی انسان» جانشین ساختند، یا الهه های دنیوی و خدایان انسان نما را منبع زندگی و سرنوشت فرض کردند. گروه هائی حتی "مرگ را مترادف با مرگ کامل دانستند و هدف زندگی را جز تجربه «زندگی نیکو» ندیدند"<sup>۱۳۶</sup>.

<sup>134</sup> ر. ک. به آیات قرآن در مورد بت پرستان مکه که از سوئی به الله واحد ایمان داشتند و از سوی دیگر بت ها را می پرستیدند.

<sup>135</sup> Erdoğan Aydın, İslamiyet gerçeği 1, s. ۳۵.

<sup>136</sup> فریدون آدمیت، تاریخ تفکر، پیشین، ص ۳۶-۳۹ و همچنین: Muazzez İlmiye Çığ, Kuran, İncil ve Tevrat,ın Sumer,deki Kökeni, İbid.



گروه‌هایی هم که به راه دینی رفتند، مسیرهای دینی گوناگونی را تجربه کردند و ادیان گوناگونی را شکل دادند. از آن میان:

- بودا از راه نقد وضع موجود، خود و نیروانا را یافت.
- تفکر هندوئی به راه تکامل تدریجی انسان- خدائی رفت و چهره‌های سمبولیک همچون شیوا و کریشنا را در راه گذر به تکامل انسان- خدائی، همسفر انسان کرد.
- کنفوسیوس دین و دولت را مبنای حیات این جهانی شناخت.
- زرتشت به دوآلیسم خلقت و تعادل در نبرد بی‌پایان بین اهریمن و اهورامزدا دست یافت.
- تمدن‌های امریکا، از آن جمله آزتک‌ها و آنکاه‌ها، تجلی ارواح اجدادی کمون و قبیله‌اولیه را نهاد اساسی خلقت تشخیص دادند.
- شایان‌ها ارواح برخاسته از توتم قبیله‌ای را مبنای جهان‌زندگان شناختند و،
- ابراهیم با رد افول موقتی ماه و ستاره و خورشید به خدای غیرقابل رؤیت ایمان آورد.

#### - راه‌های دینی و ارثیه‌های باقیمانده

وجود این راه‌های گوناگون «دینی» و «غیردینی»، نشان‌دهنده راه‌پرپیچ و خم و طولانی‌یی است که بشر برای تکوین اندیشه‌های دینی خود طی کرده است. این همه، در ضمن، بیان‌کننده آن است که بشر در زمان‌ها و مکان‌های مختلف و تحت شرایط زیستی گوناگون، «به توجیحات و توضیحاتی» از هستی و خلقت دست زده که مناسب و معرف آن شرایط، زمان و مکان بوده‌اند. از این‌ها، «توجیحات و توضیحاتی» که نام «دین» به خود گرفته‌اند، به صورت باورها، سنت‌ها و مراسم دینی از ورای تاریخ عبور کرده و تا به امروز رسیده است. به بیان دیگر، همانگونه که پیش از این، از راه دیگری نتیجه‌گیری شد:

- ادیان امروزی، حاوی افکار و اندیشه‌هایی اند که ریشه در زمان‌های گذشته دارند و به نسبت شرایط آن زمان‌ها ساخته و پرداخته شده و به امروز رسیده‌اند.

ادیان از این نظر، باورهای هزاره‌های پیشین جوامعی و شرایطی را که حتی دیگر وجود خارجی ندارند، حمل و نمایندگی می‌کنند. این واقعیت تاریخی توضیح می‌دهد که:

- چرا ادیان امروزی، با باورها و اندیشه‌های امروزی این همه بیگانه مانده‌اند و،

- چرا همه ادیان، محافظه‌کار و گذشته‌نگرند و قادر به کنار آمدن با فلسفه، تفکر و اندیشه‌های مناسب با شرایط امروزی نیستند.

ادیان از این رو نه فقط مانع تحولات اجتماعی و فرهنگی اند، بلکه همچنین مانعی در راه ساخته و پرداخته شدن افکار و عقاید «دینی و غیر دینی جدید و منطبق با درک و فهم و نیازهای امروزی» اند.

### ۳- مرزهای زمانی یکتاپرستی

به بیان محقق ترک، اردغان آیدن، پرستش خدای واحد نسبت به سایر اشکال دینی، تاریخ بسیار کوتاهی دارد و تا مدت‌ها پدیده‌ای منحصر به قبیله یا قبیله‌های معین عبری زبان حوزه دینی خاورمیانه بود<sup>۱۳۷</sup>.

مناطق و قبایلی که به بیان تورات و قرآن به وسیله پیامبران یکتاپرست به یکتاپرستی دعوت شده بودند، نیز بخش کوچکی از مناطق و قبایل منطقه معینی از جغرافیای دور و بر این حوزه دینی را تشکیل می‌دادند<sup>۱۳۸</sup>. به بیان آیدن، تاریخ یکتاپرستی در این مناطق نیز، بیش

<sup>137</sup> Erdoğan Aydın, İslamiyet gerçeği 1, ibid, s. ۳۵-۳۶.

<sup>138</sup> ر. ک. شجاع‌الدین شفا، پس از هزار و چهارصد سال، جلد ۱، ص ۲۲۱. "و همه این‌ها، و بسیار بسیار پیش از این‌ها در سرزمینی میان «نیل تا دجله» صورت می‌گیرد...؛ با وجود این، در هیچ یک از سه کتاب مقدس آئین‌های توحیدی (تورات، انجیل و قرآن) که دست کم برای دوتای آن‌ها (مسیحیت و اسلام) ادعای جهانی بودن شده است، مطلقاً نه نامی (و خبری) از چین می‌توان

از چند صد سال پیش از ظهور یهودی‌گری، که خود قدمتی بیش از ۲۸۰۰ سال ندارد، به گذشته بر نمی‌گردد<sup>۱۳۹</sup>. کتاب عهد عتیق، قصص مربوط به اقوام عبری و همچنین تفسیرات و محاسبات منابع یهودی نیز بر این واقعیت تأکید می‌کنند که:

- تاریخ یکتاپرستی در برابری با تاریخ بشر و همچنین در مقایسه با تاریخ ادیان متقدم غیر یکتاپرست، بسیار کوتاه بوده و پدیده‌ای با کم‌ترین ریشه‌های تاریخی است. مقایسه این تاریخ‌های دینی با تاریخ طولانی زندگی انسان هوشمند، هومو ساپین<sup>۱۴۰</sup>، که آثار تأیید شده‌ای از حدود ۵۰-۴۰ هزار سال پیش بر جای مانده است، نیز این نتیجه‌گیری را تأیید می‌کنند که:

۱- نه فقط حوزه یکتاپرستی، بلکه دوره یکتاپرستی نیز در مقام مقایسه با تاریخ بشر امروزی، بسیار محدود و کوتاه بوده و بشر تا رسیدن به یکتاپرستی، تاریخ درازی از زمان پیدایش خود در روی زمین را صرف اشکال دیگر پرستش‌های دینی کرده، یا در بی‌دینی به سر برده است.

۲- حوزه مسکونی و جمعیتی یکتاپرستی تا زمان مسیحیت، یا تا حدود ۲۰۰۰ سال پیش، بسیار محدود بوده و از محدوده بسیار کوچک اقوام عبری زبان دور تر نمی‌رفت و،

۳- یکتاپرستی فقط با ظهور دین مسیحیت، جنبه فرا قومی به خود گرفته و از دیواره‌های بسته قبایل یهودی به بیرون و به دیگر اقوام منطقه راه یافته است<sup>۱۴۱</sup>.

این تاریخ را قرآن نیز تأیید می‌کند و نشان می‌دهد که گویا قبل از اسلام، درس یکتاپرستی فقط به دو «طایفه یهودی و نصاری» داده شده و مختص بوده، و تازه بعد از آن بوده که اسلام آن را به صورت قرآن، برای قوم عرب نیز آورده است:

---

یافت، نه از هند و اندونزی و بقیه قاره آسیا، نه از اروپا و آفریقای سیاه و طبعاً نه از آن نیمه‌ای از دنیا که می‌باید بعداً کشف شود...» (پیشین، ص ۲۲۲-۲۲۱).

<sup>139</sup> Erdoğan Aydın, İslamiyet gerçeği 1, ibid, s. ۳۵-۳۶.

<sup>140</sup> Homo Sapiens

<sup>141</sup> Erdoğan Aydın, İslamiyet gerçeği 1, ibid, s. ۳۶.

”

”<sup>١٤٢</sup> (سورة انعام، آية ١٥٦).

---

<sup>142</sup> قرآن ترجمه الهی قمشه ای.